



فضلعلی همدانی

همه می پرسند

چه کسی پاسخ می دهد؟



"نامزدهای محترم عضویت در شورای عالی جامعه، بفرمایند برای مجموعه مشکلاتی که اکثر آن‌ها در فصل نامه‌های جامعه هم بازتاب می‌یابد، از جمله فصلنامه زمستان ۱۳۸۸، چه فکری کرده‌اند؟" این نخستین نکته‌ای است که فضلعلی همدانی بر آن تاکید می‌کند. وقتی از او می‌پرسیم خب شما چرا کاندیدا نشدید تا یکی از پاسخ‌دهندگان به پرسش‌های متداول و معمول و بسیار همکاران و دوستان خود پیرامون چالش‌های حرفه باشید، می‌گوید: متأسفانه یا خوشبختانه به دلیل آگاهی از توان خود هرگز به فکر عضویت در این جایگاه رفیع و جایگاه پرخطر، نشده‌ام و نخواهم شد. «... گاو نر می‌خواهد و مرد کهن...» مگر بزرگان و فرهیخته‌های واقعی حرفه که تاکنون عضو بوده‌اند کم رنج برده‌اند! ولی کو گنج؟ گنجی که نبرده‌اند هیچ بدهکار هم شده‌اند.

وی در مورد شاخصه‌های کاندیداها می‌گوید: بدیهی است که صرف نظر از شرایط مقرر شده در قانون برای این عزیزان، ضروری است عزیزان کاندیدا از تمام مشکلات فعلی جامعه‌ی حسابداران با خبر بوده و برنامه‌ی عملی برای رفع آن‌ها در جهت ارتقای

واقعی این جامعه و باامال اعضای محترم آن داشته باشند. این ارتقا در تمام جنبه‌های وضعیت اعضا و جامعه می‌بایست همزمان ولی با اولویت‌بندی صورت گیرد.

حداقل انتظارات من و سایر اعضا در قالب ارتقا بخشی واقعی به اهداف واقعی جامعه‌ی حسابداران رسمی، قابل طبقه بندی است.

به دلیل مشکلات عدیده موجود در سر راه جامعه، اعم از قانون فعلی جامعه، سایر قوانین جاری درگیر با وظایف جامعه، و بخشنامه‌های متعدد صادره بدون ابزار اجرایی و اختیارات محدود شورای عالی، برآورده نشدن تمام انتظارات اعضای جامعه، دلیل بر ضعف عملکرد این عزیزان نیست و آدم را یاد ضرب المثل «بله دیگ بله چغندر» می‌اندازد.

وی می‌گوید اعضای جامعه و نه مقامات قانونی تعریف شده برای راهبری جامعه (از آن جمله شورای عالی جامعه) به توانمندی‌های واقعی دست نمی‌یابند و روز خوش نخواهند داشت؛ مگر بعد از حل مسایل زیر:

الف) موارد بنیانی و اساسی حرفه و جامعه
ب) نجات موسسات حسابرسی از

چنبره اقتصاد دولتی
۲) رفع مشکلات بازار سرمایه در اقتصاد ایران و بازیابی جایگاه واقعی حسابرسی در کشور

۳) تدوین برنامه‌های لازم برای از بین بردن حسابرسی مبتنی بر رابطه‌ها
ب) موارد مربوط به امور صنفی و درآمدی جامعه

۱) اجرایی نشدن واقعی بخشنامه‌های صادره که ظاهراً در جهت ارتقاء واقعی جامعه صادر می‌شود ولی هرگز به طور کامل اجرا نمی‌شوند.

۲) بررسی واقعی نرخ پایین کار حسابرسی فعلی در کشور (که حق الزحمه ساعتی مدیر حسابرسی معادل حقوق یک رییس حسابداری با سابقه نیست).

۳) ارجاع واقعی کار به موسسات عضو جامعه براساس یک ظرفیت منطقی و حذف انحصارات دولتی و سایر انحصارات موجود!

همدانی به عنوان کلام آخر می‌گوید به همین مطلب و محاسبه ساده زیر که در نشریات جامعه هم آمده است دقت فرمائید که چطور می‌شود در مقابل آمار موجود زیر و شرایطی که:

۱) موسسات حسابرسی موجود در کشور حدود ۱۹۰ موسسه است.

۲) از حدود ۱۶۵۰ نفر حسابدار رسمی که ۴۹۰ نفر آن غیرشاغل و ۲۶۴ نفر در سازمان حسابرسی تشریف دارند عملاً حدود ۸۹۶ نفر در موسسات خصوصی فعالیت دارند. تمام آمارهای فوق هیچ تناسبی با جمعیت کشور ندارند، پس چگونه است که تعداد زیادی از اعضای جامعه از بازار کار مناسب برخوردار نیستند؟

و واقعاً این مشکلات را که گوشه کوچکی از مشکلات اعضا و جامعه می‌باشد و در تمام نشریات جامعه برای تک تک مشکلات مقاله و سرمقاله و مطلب نوشته می‌شود چه ارگانی باید پاسخ درخور داشته باشد؟